

موقعی که کودک زبان باز میکند

سرخ میشود و جریان نبضش بالا میرود. در این موقعی که یک بچه شیرخوار چیزی را بخواهد بمادر خود بگوید و او را از موضوعی مطلع کند، فریاد میکند. درست کمی بعد از تولد، توافق و تفاهمی میان مادر و نوزاد بوجود میآید و از چگونگی گریه و صدای داد و فریاد بچه شیرخوار، مادر بهتر از هر کسی میفهمد که نوزاد آنچه می خواهد و چه باید به او بدهد، مثلاً مادر از گریه و داد نوزاد خود خیلی خوب تشخیص میدهد که او کی میگوید: گرسنه است» و کی میگوید «کهنه هایش تراست» یا «دلش درد میکند». و در حقیقت صدای گریه و فریاد بچه که برای اشخاص غریبه هیچ معنی و مفهومی ندارد و همه صداها را یکی تشخیص میدهد برای مادر حائز اهمیت خاصی است و بمنزله زبان نوزاد است که با او صحبت میکند. این گریه در حقیقت تلاش و کوشش بچه است که میخواهد با مادر خود و دیگران ارتباط برقرار کند و با آنها صحبت کند و بعقیده روانشناسان اولین قدمی است که کودک در راه حرف زدن برمی دارد.

جیمغ و فریاد نوزادان

نیروئی که نوزاد در موقع گریه کردن و جیمغ کشیدن بکار میبرد واقعاً از هر جهت قابل ملاحظه و دقت است. موقعی که بچه گریه می کند تمام بدن او به فعالیت می افتد، دست و پای او مشت میشود، پاهایش را بشدت تکان میدهد و دست های مشت کرده خود را مرتب باینطرف و آنطرف میبرد، پوست او از خون

را در این مورد نمی‌دانند و کم‌کم باید فراگیرند
که از این اعضای خود هم می‌توانند برای
حرف زدن و صدا درآوردن استفاده کنند .

لرزه کردن نوزادان

در ماه دوم و ماه سوم تولد ، موقمی که

بدو تولد فقط صداهای بلند می‌توانند از خود
درآوردند و جیغ بکشند . صداهای کوتاه و آرام
را بلد نیستند درآوردند و باید با تمرین آنرا
فراگیرند . آنها طرز خارج کردن هوا را از
ریه برای این صداهای کوتاه و همچنین استفاده
از لب‌ها را برای حرف زدن و استفاده از زبان



بچه میتواند سر خود را آهسته از زمین بلند کند ، زبان خود را هم به حرکت درمیآورد و بازبان خود سق دهان و لبهای خود را لمس میکند . این حرکات در مراحل اول خیلی ساده و معمولی است ولی چند هفته بعد کم کم زبان کودک قدرت و توانائی زیادتری پیدا می کند و در حفره دهان او به حرکت زیادتری درسی آید . در این مواقع است که بدون اراده ، صداهائی از دهان کودک خارج میشود که شبیه خرخر و قرقر کردن است از بعضی از این اصوات ، نوزاد خوشش می آید مرتب آنها را تکرار میکند و در حقیقت در همین موقع است که کودک قدم مهمی از نظر رشد

دستگاههای صوتی خود و حرف زدن برداشته است . بچه در این موقع خوب حس میکند که این اوست که این اصوات را تولید می کند و اگر بخواهد میتواند اینکار را تکرار کند و هر چند باری که مایل است این صداها را از خود درآورد . و بدین ترتیب کودک پک بازی تازه را فرا میگیرد که همان صداهای نسبتاً آرام و ضعیف کردن است .

در این بازی بهتر آنست که پدر و مادر از همان آغاز کار با نوزاد خود همکاری و همگامی کنند .

در این موارد هر قدر کودک نوزاد بیشتر صداهای آرام از دهان خود خارج کند از گریه و جیغ کشیدن او کم می شود . کودک باید در این مواقع حس کند که غیر از گریه و فریاد کشیدن با وسایل دیگر هم می تواند با محیط خارج تماس گرفته و مقاصد خود را ابراز دارد و بعقیده «ولرس برگر» دانشمند معروف

روان شناسی کودک ، این کار موقعی امکان پذیر خواهد بود که پدر و مادر غالباً در مواقعی که کودک آرام است و گریه نمی کند با او صحبت کنند و صداهایی را که از دهان در میآورند تقلید کنند . در مواقعی هم که کودک نوزاد گریه میکند و جیغ میکشد نباید زیاد او را در مورد چیزیکه میخواهد (اگر گرسنه است غذا میخواهد و اگر جایش تراست کهنه - هایش باید عوض شود) در انتظار گذاشت و پس از بلند شدن صدای گریه هر قدر پدر و مادر زودتر با و برسند و کمک کنند ، اعتماد او به محیط اطراف خود زیادتر می شود و کمتر احساس نگرانی میکند .

هر قدر اعتماد و اطمینان کودک به محیط اطراف خود و پدر و مادرش بیشتر جلب شود بهمان نسبت او سعی بیشتری خواهد کرد تا به کمک اصوات کوتاه و آرام ، مقاصد خود را با اطلاع پدر و مادر برساند و در حقیقت تلاش خود را برای بحرف افتادن و صحبت کردن زودتر و سریعتر شروع می کند .

در اوایل کار ، کودکان نوزاد صداهایی را که از دهان خود خارج می کنند فقط بیخاطر آنست که از این صداها خوششان سیاید و تفریح و بازی میکنند ولی بتدریج در صدد برمیآیند که از این صداها برای ابراز مطالب خود استفاده کنند و کارشناس دانشمند

معروف زبان شناسی « فریدریش کاینتس » عقیده دارد که نوزادان برای چیزهای مشابهی که میخواهند ، صدای مشابهی از خود در میآورند و چون در ساهای اول تولد چیزی

که کودک آن می‌خواهند در همه مشابه یکدیگر است، اینست که صدایی که از دهان آنها خارج می‌شود نیز مشابه و یکسان است و در حقیقت بقول فریدریش کابنتس نوزادان در بدو تولد همه یک زبان صحبت می‌کنند و اهل یک کشور هستند .

ولتی که نوزادان گرسنه هستند

بزرگترین و مهمترین چیزیکه نوزادان می‌خواهند اینست که همیشه سیر باشند و برای آنکه این تمایل خود را ابراز کنند ، کلیه کودک آن نوزاد از ماه سوم تولد به بعد حرف «میم» را با : «آ» ارتباط داده و صوتی شبیه «ما - ما» از دهان خود خارج می‌کنند که معنای آن اینست که آنها گرسنه هستند و شیرو یا غذا می‌خواهند .

پدر و مادرهایی که فرصت داشته باشند و بتوانند کودک آن نوزاد خود را خوب تحت نظر بگیرند، بخوبی میتوانند متوجه این اصواتی که از دهان آنها خارج میگردد ، بشنوند و آنها را از یکدیگر تشخیص داده و معنایشان را بفهمند . از ماه هفتم تولد به بعد کودک نوزاد به اصوات و حرکات پدر و مادر خود دقیق می‌شود ، او با دقت به دست‌ها و حرکات و طرز حرف زدن مادر و پاپدر خود خیر می‌شود و موقه‌یکه می‌بیند پدر و یا مادر و یا برادر و خواهر او

صداهایش را که مثلا «دادا دادا» و «بابا بابا» می‌گوید تقلید می‌کنند خوشحال می‌شود ، بوجد و شغف سیاید و می‌خندند . در این مواقع وقتی پدر و یا مادر، کنار نوزاد ایستاده و با او صحبت می‌کنند و یا خودشان با هم حرف

میزنند ، کودک بهیچان سیاید و بی اختیار دست و پای خود را حرکت میدهد و سعی میکند کلمات آنها را تقلید کند و غالباً در این هنگام اصواتی از دهان او خارج می‌شود که خیلی شیرین و دلچسب است .

این لحظات در زندگی نوزاد اهمیت زیاد دارد و در همین موارد است که پدر و مادر می‌توانند زبان کودک خود را بهتر درک کنند و بفهمند و کودک هم شروع میکند با آنکه زبان پدر و مادر خود را بفهمد و این در حقیقت نخستین گام برای یک نوزاد است که بتواند زبان مادری خود را فراگیرد . موقعی که او حس کرد، پدر و مادر وی را درک کرده و از روی صداهایش متوجه منظورشان شده‌اند خوشحال میگردد و سعی می‌کند اصوات تازه‌ای اختراع



میکنند و با او میگویند «ماما» و آنوقت است که مادرها و پدرها فریادی از خوشحالی میکشند که فرزندشان زبان باز کرده است و آنها را



را تکرار کردند و مشاهده نمودند که بزرگترها و اطرافیان شان از تکرار این کلمه خوششان میآید ، آنوقت آنها در مورد کسی که از همه بآنها نزدیکتر است یعنی مادرشان استعمال می شناسد و می تواند صدا کند و به کودک خود

کند و مقاصد خود را بهتر به پدر و مادر خود بفهماند و ضمناً بهتر گوش میدهد که اصوات و حرف های آنها را هم بهتر بفهمد .

اهمیت این مکالمات دو جانبه کودک با پدر و مادر را از اینجا می توان درك كرد كه نوزادان پدر و مادرهای كرولال درزندگی و در فراگرفتن زبان دچار اشكالات می شوند ، این کودکان در آغاز كار اصوات مختلف را مانند نوزادان دیگر ، از دهان خود خارج می کنند ولی بعد با ینكار قانع نمی شوند آنها می خواهند كه پدر و مادرشان با آنها صحبت كنند و حرف بزنند و وقتی پدر و مادر خود را ساكت و بی تفاوت دیدند آنوقت ناراحت می شوند و دست از تلاش برای حرف زدن و صدا درآوردن بر میدارند و غالباً این نوزادان در حرف زدن دچار اشكال میشوند و اگر بموقع اقدام نشود ، نمی توانند در چند سالگی هم حرف بزنند و از هر جهت عقب افتاده میشوند .

نوزادان قبل از آنكه حرف زدن را بطور صحیح یاد بگیرند برای خودشان يك زبان مخصوص كودکی اختراع میکنند ، آنها صداهایی را كه غالباً در گوش افراد بزرگسال و غریبه ، ناآشناست برای نامیدن اشیاء و چیزهای بخصوصی بكار میبرند و برای صدا كردن اشخاص نزدیك خود نیز كلمات نامفهومی را استعمال می کنند بهترین مثال برای این موضوع كلمه «ماماست» كه معمولاً كودكان نوزاد وقتی گرسنه هستند بزبان میاورند و بدین ترتیب شیر یاغذای دیگر می خواهند و وقتی این كلمه

افتداسی کند که البته حق هم دارند .

درماه های بعد نوزاد کم کم شروع میکند که نام اشیاء دیگر اطراف خود را فراگیرد مادر کم کم متوجه می شود که کودک نام اشیاء را به یک روش و ترتیب

خاصی یاد میگیرد ، بدین معنی که اول این اشیاء را او باید به کودک خود نشان دهد و نام آنرا بگوید و کودک سعی میکند ، نام آن چیز را تکرار کند و گاهی هم نمی تواند آنرا بگوید زیرا در این سن کودکان معمولا بعضی از حروف را نمیتوانند تلفظ کنند و بالاخره کم کم کودک میفهمد این چیز گرد و

قرمز رنگ توپ است و یا آن کسی که صدایش کلفت است و ریش بصورت دارد «پاپا» و پدر است ، بعضی از مادران وقتی می بینند که کودک آنها هر سردی را به بیند بابا میگوید و با پدر خود عوضی میگیرد تعجب میکنند ، درحالی که این تعجبی ندارد ، زیرا همانطور که کودک هر چیز گرد و قرمز را توپ

میداند و هر چیزی را که چرخ داشته و حرکت کند اتومبیل میگوید ، هر کسی را هم که صدایش کلفت باشد و ریش داشته باشد بابا تصور می کند !

چندماه بعد کم کم کودک شروع میکند که چیزهایی را که میخواهد ، با ذکر یک کلمه ابراز کند ، مثلا فریاد میکند «اتومبیل» از این کلمه پدر و مادر باید البته درک کنند که

منظور او آن نیست که اتومبیل را در خیابان نگاه کنند ، بلکه او اتومبیل کوچک اسباب بازی را میخواهد ، و یا آنکه اتومبیل کوچک او از دستش افتاده است ، غالباً در این قبیل مواقع حرکات و ژست ها و صورت کودک نشان میدهد که منظور او از ذکر یک کلمه چیست ، در این قبیل مواقع اگر پدر و مادر کلمه ای را که او گفته است تکرار کنند و تلفظ صحیح آنرا سعی کنند به کودک بیاموزند ، او خیلی خوشحال می شود و اینکار اثر بهتری در او دارد .

تا آخر سن دوسالگی کار دشوار است که بیک کودک اعم از پسر یا دختر بفهمانند که هر چیز اسم مخصوص دارد و او باید اسم همه آنها را فراگیرد ولی یکمرتبه از دوسالگی

به بعد وضع کودک عوض می شود و در او نیرو و استعداد مخصوص زیادی برای فرا گرفتن کلمات و لغات پیدا می شود و کودک متوجه می شود که باید لغات زیادی را یاد بگیرد

و در همین مراحل یعنی بین دو سه سالگی است که کودک حرف زدن را بطور کامل فرا میگیرد و روز بروز در این راه پیشرفت سریع و برق آسانی می کند ، در این مراحل پدران و مادران کمک مهمی که می توانند به کودک خود بکنند ، اینست که سراتب خوشحالی و

مسرت خود را از هر کلمه ای که کودک فرا میگیرد و تکرار می کند نشان دهند و کودک از این خوشحالی و خنده پدر و مادر خود تشویق می شود و سعی بیشتری در فرا گرفتن بکار می برد .